

هیئت دولت باید این تکلیف را معین کند و الا کلاچطور می توانستند معین کنند .  
رئیس - عجالتاً چاره که هست گویا تنفس است اگر مخالفی نباشد چند دقیقه تنفس داده می شود .

در این موقع نمایندگان برای تنفس از مجلس خارج شدند و مجدداً یکساعت قبل از غروب جلسه تشکیل شد .

رئیس - راجع با استیضاحی که شده است با آقایان عرض کردم سه فقره پیشنهاد شده است یکی رای ساکت یکی رای مثبت و یک فقره هم رای منفی مطابق نظامنامه رای ساکت حق تقدم دارد و اول باید رای گرفته شود ولی قبل از اینکه رای بگیریم باید عقیده هیئت وزراء معلوم شود که به بینیم رای ساکت را قبول دارند یا خیر چون آقایان وزراء تشریف بردند و دور نیست بخواهند تبادل افکاری بکنند ما هم از عقیده ایشان مسبوق نیستیم و نمی توان امروز در این باب رای گرفت پس بهترین است که این مسئله را محول کنیم بجلسه دیگر که در باب آراء ساکت و مثبت و منفی رای بگیریم پس اگر مخالف نباشد جلسه را ختم می کنیم جلسه دیگر روز ۳ شنبه دستور هم اول مسئله اخذ رای راجع با استیضاح دیگری دستور سابق بعلاوه قانون دخانیات که البته تا آنوقت حاضر خواهد شد .

سر دارم عظم - شاید قانون دخانیات هم تا جلسه آتی نرسد یا قانون دخانیات خواهد رسید یا قانون مستغلات .

رئیس - بسیار خوب در دستور یا قانون دخانیات خواهد بود یا قانون مستغلات .

طباطبائی - بعقیده بنده خوب است راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به مرخصی آقای شریف العلماء امروز رای گرفته شود .

رئیس - آقای شریف العلماء چهل روز تقاضای مرخصی کرده اند و کمیسیون هم تصویب کرده است باید رای بگیریم - آقایانی که مرخصی چهل روزه آقای شریف العلماء را تصویب می کنند قیام نمایند .

( عده کثیری قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد .  
( مجلس تقریباً سه ربع قبل از غروب ختم شد )

جلسه ۵۳

صورت مشروح مجلس یوم شنبه هیجدهم شهر شعبان ۱۳۲۳

مجلس ۲ ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز شنبه ۱۳ قرائت شد .

غائبین بدون اجازه آقایان حاج امام جمعه - آقا شیخ محمد جواد - حاج معین التجار - سردار معظم کردستانی .

رئیس - در صورت مجلس نوشته شده است که وزیر امور خارجه گفته اند خوب است مذاکرات ختم شود مقصود این نبوده است مقصودشان این بوده که در همین جلسه مطلب ختم شود دیگر فیر از این ایرادی در صورت مجلس هست ؟

سر دارم عظم - بلی پس از آنکه وزیر امور خارجه اظهاراتی فرمودند بنده پیشنهاد خودم را پس گرفتم و دلایلش را هم ذکر کردم و گفتم حالا که آقایان

وزراء حاضر هستند جلسه امروز را امتداد دهند ما هم بطریق اولی حاضریم و باین دلیل پیشنهاد خودم را پس گرفتم اما یک مسئله دیگر در باب اظهارات بنده است که خیلی مختصر نوشته شده است و چون مطلب خیلی مفصل است نمی توانم در اینجا ذکر کنم همین قدر عرض میکنم خوب بود همانطوریکه فرمایشات طرفداران استیضاح را باینک سلاست و دلایلی منطقی نوشته اند اظهارات سایرین را بهمان ترتیب با دلایل ذکر میکردند .

رئیس - قسمت اول را همانطوریکه فرمودند اصلاح میشود اما قسمت دوم گمان میکنم این ایرادی که میفرمایند وارد نباشد همانطوریکه دلایل طرفداران استیضاح را نوشته اند سایرین را هم نوشته اند .

سر دارم عظم - استعلام میکنم بصورت مشروح مجلس مراجعه فرمایند .

رئیس - صورت مشروح که در اینجا خوانده نمیشود البته صورت مشروح غیر از صورت خلاصه است و در صورت مشروح تمام مذاکرات نوشته میشود حالا اگر این صورت مجلس را صحیح میدانند صورت دیگر نوشته شود در جلسه آتی قرائت شود حالا رای میگیریم آقایانی که این صورت مجلس را تصویب میکنند قیام نمایند .

( عده قلیلی قیام نمودند )

رئیس - تصویب نشد - مجدداً نوشته میشود و در جلسه آتی قرائت میشود دستور امروز یک مسئله اخذ رای در باب استیضاح بود و دیگر راپورت کمیسیون پست و تلگراف و عدلیه راجع به قانون پستی بود مطلب سوم هم قانون دخانیات یا مستغلات بود قانون دخانیات و مستغلات حاضر نشد و اخذ رای در باب استیضاح هم گمان نمیکنم امروز صورت بگیرد اینکه آرزوی در اینجا مذاکره شده که بموجب نظامنامه اول باید در موضوع رای ساکت رای بگیریم و قبل از رای گرفتن باید عقیده هیئت دولت معلوم شود ولی چون هیئت دولت حاضر نیستند و تا وقتی که حاضر نشوند نمی توانیم در این باب رای بگیریم این است که اگر تصویب میفرمایند داخل شویم در قرائت راپورت کمیسیون پست و تلگراف .

مرات السلطان - بنده گمان میکنم باید از طرف مجلس با آقایان وزراء تا کید شود که تشریف بیاورند شاید هیچ تشریف نیاورند همین طور بایستی این مطلب معطل شود هم مجلس اقداماتی را که نسبت به استیضاح بکند کرده است باید به هیئت وزراء تا کید شود که زودتر تشریف بیاورند معلوم شود چه اقداماتی خواهند کرد .

رئیس - البته مسبوق هستید که هیئت دولت گفته اند تا روز شنبه مطلب معلوم میشود باز هم تا کید میشود تاروز شنبه تکلیف رامعین نمایند .

ناصر الاسلام - بنده کاملاً با اظهارات آقای مرات السلطان موافقم که هر چه زودتر مسئله استیضاح باید خاتمه داده شود بجهت اینکه خیلی مضحک خواهد بود که در یک همچو موقع مهمی مادر مجلس بنشینیم و قانون پست را بگذرانیم با نجهت استنها میکنم تا کید بفرمایند که زودتر هیئت وزراء حاضر شوند و باین امر خاتمه داده شود .

رئیس - تا کید می شود و دوباره عرض میکنم

بموجب نوشته که هیئت دولت فرستاده بودند تا روز شنبه تکلیف معلوم خواهد شد .

حاج شیخ محمد حسین یزدی - در موضوع استیضاح که بروز شنبه افتاد بعقیده بنده خوب است در اینکار تاخیر شود تا حرفهای طرفین واضح شود چون بین من و بین الله هنوز مطلب واضح نشده است دلم میخواست حالا که وزراء نیستند مجلس هم دست نگاه دارد و درصدد تفتیش برآید یعنی دو نفر از این طرف و دو نفر از آن طرف با هم پیشینند به بیند قضیه چه چیز است بعد اتفاق آراء با هر طرفی شد رای داده شود .

رئیس - گمان میکنم این مسئله از موضوع خارج است و وقتی این مسئله میتواند مطرح مذاکره واقع شود که بخواهیم در باب اخذ رای راجع به استیضاح مذاکره کنیم عجالتاً مذاکره راجع بدستور است حالا باید دید که این مسئله جزء دستور امروز باشد یا بماند برای روز شنبه و عجالتاً باید معلوم شود که در قانون پستی داخل شویم یا در سایر مسائل مذاکره کنیم ؟

در اینکه قانون پستی جزء دستور امروز شود مخالفی هست ؟ ( اظهاری نشد ) معلوم میشود مخالفی نیست داخل میشویم در قرائت راپورت کمیسیون راجع بقانون پستی .

( بمضمون ذیل قرائت شد )

در آخر تبصره ماده دوم این عبارت علاوه شد چنانچه اداره پست برای ترتیب حمل و نقل بخواهد باشخاص مختلفه قراردادی نماید با اتباع داخله خواهد بود .

رئیس - در این جمله که بتبصره ماده دوم ضمیمه شده است ایرادی هست یا نیست ( ایرادی نشد ) پس رای میگیریم باین ضمیمه آقایانی که این ضمیمه را تصویب میفرمایند قیام کنند .  
عده کثیری قیام نمودند

رئیس - تصویب شد - رای میگیریم بماده ( ۲ ) بضمیمه این عبارت که اضافه شده آقایانی که ماده دوم را به ضمیمه این عبارت قبول می نمایند قیام فرمایند .

( غالباً قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد - ماده هشتم قرائت می شود .

( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده هشتم - اداره پست با تصویب وزارت متبوع عده و مکان ووظایف پستخانها را تعیین نموده ترتیب برداشتن مراسلات را از جمله های پستی و ارسال و توزیع آنها را مقرر میدارد

مخبر - ماده سوم بملاحظه ماده دوم رای گرفته نشد و مانند لهذا لازماًست اول در آن ماده رای گرفته شود .

رئیس - ماده سوم قرائت میشود رای میگیریم .

بمضمون ذیل قرائت شد

ماده ۳ - فقرات ذیل از امتیاز انحصاری پست خارج است .

اولا - حمل و نقل مسافری و بنه آنها در صورتی که با وسائل شخصی یا با دستگاههای کرایه بدون تبدیل مال در عرض راه یا با کاروان یا با راه آهن یا با وسائلی که امتیاز آنها قبل از وضع این قانون

داده شده مسافرت مینمایند و حمل مسافرین و بنه آنها در طرقتی که حالیه عرابه رو هستند و به همچنین حمل مسافرین و بنه آنها بوسیله دستگاههای کرابه که بقوه حیوانی یا مکانیکی در شهرها و نقاط جمعیت و اطراف آنها حرکت و حمل مسافر مینمایند و مالیات را نیز میپردازند .

ثانیاً - پاکتها یا مراسلاتی که توسط بعضی از ادارات حمل میشود و تعیین شرایط و حدودش با دولت است .

ثالثاً - مراسلاتی که اشخاص مختلفه توسط گماشتگان خود برای یکدیگر میفرستند و مراسلاتی که مردم بیستخانه میبرند یا از بیستخانه میگیرند .

رابعاً - مراسلاتی که اشخاص مختلفه حامل آنها هستند و راجع با امور شخصی خود آنهاست .

خامساً - بار نامه و صورت حسابهای سرپازی که تجار به همراهی مالالتجاره خود میفرستند و شامل مطلب دیگری جز اطلاعات راجعه به تحویل دادن مالالتجاره نیست .

سادساً - اوراق راجعه بسایر ادارات حمل و نقل عمومی که با وسایل حمل و نقل خودشان فرستاده می شود .

سابعاً - مراسلات متبادله فیما بین دول خارجه و نمایندگان آنها ( از قبیل سفراء و وزراء و قنصلها ) که در مملکت ایران بسمت رسمیت متمکنند و در

خورجینهای سفارتی بموجب قرارداد دولت حمل و نقل میشود .

ثامناً - مراسلاتی که از نقطه نقطه ارجاع شود که در آنها بیستخانه نباشد

رئیس - در ماده سوم مخالفی هست یا نیست؟

مدرس - آن استثنائی که امروز عرض کردم که کافند های شخصی باید آزاد باشد نمیدانم جزء مستثنیات نوشته شده است یا جزء مستثنی منه درج شده در اینجا که ذکر آن نشده است

مخبر - چرا در مستثنیات دارد که مطالب شخصی را میتوانند بفرستند و هیچ مانعی نیست

عدل الملک - تأخیر رأی در ماده سوم را بنده تقاضا کردم بجهت اینکه آقای مدرس در ماده دوم يك پیشنهادی کرده بودند و محل توجه واقع شد و بکمیسیون رفت چون مضمون آن این بوده که

مراسلات اشخاص مختلفه آزاد باشد و تصور کردیم که کمیسیون شاید آنرا بپذیرد برای اینکه جبران شده باشد تقاضای تأخیر رأی ماده سوم را تا زمان گذشتن فقره سوم از ماده دوم کردم و نمیدانم پیشنهادی که آقا فرودند در کمیسیون چه صورتی پیدا کرده است

مخبر - ماده دوم که به ترتیب سابق بمجلس آمد و رأی هم گرفته شد در باب نوشتجات شخصی که آقای مدرس میفرمایند آزاد باشد در اینجا نوشته شده است

( رابعاً مراسلاتی که اشخاص مختلفه حامل آنها هستند و راجع با امور شخصی خود آنهاست ) در اینصورت این قبیل مراسلات جزء مستثنیات است و داخل در انحصار اداره پست نیست

مدرس - بله ( مراسلاتی که اشخاص مختلفه حامل آنها هستند ) دایره اش یکقدری اضیق است از آنچه بنده عرض کردم باید در آن ماده قبول بفرمایند

که پاکتها یا مراسلاتی که اشخاص مختلفه برای يك دیگر میفرستند مستثنی باشد اگر قبول بفرمایند رفع آن اشکال خواهد شد ولیکن اگر قبول نکنند گمان میکنم همان اشکالاتی که عرض شد باقی باشد در ماده دوم که تصرفی نکرده اند و نسبت به کافند هایی که مردم در جیب بقلشان میگذارند در مسافرت برای آنها اسباب زحمت خواهد شد و اگر در اینجا بنویسند ( مراسلاتی که اشخاص مختلفه برای یکدیگر میفرستند ) رفع این محظورات خواهد شد

مخبر - بنده این ترتیب را قبول میکنم که نوشته شود ( مراسلاتی که اشخاص مختلفه برای یکدیگر میفرستند و راجع به امور شخصی خود آنهاست ) که راجع بسایر مردم نباشد که از برای یکدیگر بفرستند نه اینکه یک نفر برای جمعی دیگر هم کافند قبول کند و بفرستد مقصود این است آنچه میفرستند راجع به شخص خودشان باشد نه راجع ب دیگران

مدرس - بنده این مسئله را نفهمیدم یعنی بنده يك کافندی که برای کسی مینویسم خودم ببرم؟ اگر من خودم بروم دیگر چرا کافند مینویسم مقصود از این مسئله این است اگر بنده يك کافندی بیک مسافری که میخواهد بکرمان برود و بدهم که آن کافند را آنجا بخوانده من بدهم باید این ماده متعرض باشد که در راه ما مورین اداره پست اسباب زحمت برای او فراهم نیاورند و متعرض آن شخص نشوند بفرمایید بینم کدام يك از این فقرات است که متعرض عرض بنده شده است هر يك از این فقرات متعرض این مسئله باشد البته رفع اشکال خواهد شد و باز عرض میکنم اگر در اینجا نوشته شود ( مراسلاتی که اشخاص مختلفه برای یکدیگر میفرستند ) رفع این اشکال خواهد شد

مخبر - اگر ملاحظه بفرمایید این مسئله هم قید شده است مینویسد ( ثالثاً مراسلاتی که اشخاص مختلفه توسط گماشتگان خود برای یکدیگر میفرستند ) پس وقتی که حضرتعالی يك نوشته را بتوسط يك نفر خواستید برای يك نقطه بفرستید در واقع آن شخص گماشته جنابعالی محسوب خواهد شد و البته کسی متعرض او نخواهد شد

مدرس - گمان میکنم اگر بنده يك کافندی بجنابعالی بدهم به برید بکرمان شما گماشته من نیستید ارباب بنده هستید ولی نعمت من هستید گماشته یعنی نوکر این مسئله را که بنده عرض کردم بینم در میان مردم چگونه متعارف است يك شخص مسافری از اینجا میخواهد بیک جایی برود يك کافندی باو میدهم و میگویم خدا بدترت را بیا مرز دین کافند را بدوست من بده در اینصورت میخواهم ما مورین پست دست نوی جیب و بقل مردم نکنند بنا بر این حالا که اینطور می فرمایند اگر در این ماده لفظ ( توسط گماشتگان را ) بیندازند و این جور نوشته شود ( ثالثاً مراسلاتی که اشخاص مختلفه برای یکدیگر میفرستند ) باز رفع اشکال خواهد شد

حاج شیخ یوسف - بنده گمان میکنم بجای مسئله واضح باشد چیزی که آقای مخبر پیشنهاد کرده اند و از کمیسیون گذشته است تصریح میکنند که مراسلات اشخاص بیکدیگر کلیتاً ممنوع است در اینجا دوشق تصور میشود يك شق مراسلاتی است که بتوسط اشخاصی که با پست میروند و در حقیقت

باسرعت به بلاد وارد میشوند فرستاده میشود يك شق دیگر این است که بوسائل پست نیست بوسائل رایجه مملکتی است مثلاً بنده از اینجا میروم به آذربایجان مسافرت کنم با مال سواری میروم کافند هایی بمن میدهند که به آذربایجان ببرم آقای مدرس میفرمایند این قسم مکاتب که باین وسائل به بلاد فرستاده میشود مستثنی باشد بنده گمان می کنم این قسم مراسلات را نمی شود دولت جلوگیری کند ولی آن قسمی که اول عرض کردم البته نمی شود اجازه داد و مخصوص بدولت است ولی درین شق ثانی گمان می کنم ممنوع نباشد

سردار معظم - بنده می خواهم عرض کنم این ترتیبی را که آقای مدرس میفرمایند شاید اساساً صحیح باشد ولی برخلاف آن اصلی است که مبنای این لایحه قانونی است در این لایحه قانونی نظر به انحصار پست است برای دولت و چون این نظر را داشتیم اگر به آن ترتیبی که آقای مدرس میفرمایند نوشته شود دیگر آن انحصار از بین میرود چون همیشه مکاتب بین دو نفر است و یکی به یکطرف دیگر مینویسد پس وقتی که گفتیم اشخاص مختلفه مراسلات خود را می توانند برای یکدیگر بفرستند باید مبنای انحصاری پست را هم لغو کنیم

رئیس - گمان می کنم در این موضوع بقدر کفایت مذاکرات شد اگر پیشنهادی هست پیشنهاد کنید تا رای گرفته شود

مدرس - بنده پیشنهاد دارم

رئیس - پس در ماده هشتم رأی میگیریم تا پیشنهاد آقا حاضر شود

در ماده هشتم عبارت ( دولت ) بوزارت متبوع تبدیل شده است رأی بماده هشتم به ترتیبی که قرائت شد آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند ( عده کثیری قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد - ماده دهم قرائت می شود ( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده دهم - اداره پست در حدود مقرر قانون مجاز است که برای احداث پست مقرر بحری فیما بین مملکت ایران و نواحی ماوراءالبحر با تصویب وزارت متبوع با اشخاص مختلفه قرارداد مخصوص بگذارد

رئیس - در اینجا عبارت ( با تصویب وزارت متبوع ) اضافه شده است رأی میگیریم بماده دهم با این ترتیبی که قرائت شد آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند

( عده کثیری قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد - ماده ۱۴ قرائت می شود ( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده ۱۴ - امتیاز انحصاری طبع تمبر پست و سایر هلامات راجعه بحقوق پستی با دولت است حفظ و ضبط آن توسط وزارت مالیه خواهد بود و فروش با وزارت پست است

سردار معظم - در موقعی که این ماده بمجلس آمده در اینجا اظهاراتی شد و خواستم قانون پست با قانون تشکیلات مالیه که قبلاً از مجلس گذشته بود موافقت داشته باشد و آنچه بنظر بنده می آید

ماده ۱۴ - امتیاز انحصاری طبع تمبر پست و سایر هلامات راجعه بحقوق پستی با دولت است حفظ و ضبط آن توسط وزارت مالیه خواهد بود و فروش با وزارت پست است

سردار معظم - در موقعی که این ماده بمجلس آمده در اینجا اظهاراتی شد و خواستم قانون پست با قانون تشکیلات مالیه که قبلاً از مجلس گذشته بود موافقت داشته باشد و آنچه بنظر بنده می آید

ماده ۱۴ - امتیاز انحصاری طبع تمبر پست و سایر هلامات راجعه بحقوق پستی با دولت است حفظ و ضبط آن توسط وزارت مالیه خواهد بود و فروش با وزارت پست است

سردار معظم - در موقعی که این ماده بمجلس آمده در اینجا اظهاراتی شد و خواستم قانون پست با قانون تشکیلات مالیه که قبلاً از مجلس گذشته بود موافقت داشته باشد و آنچه بنظر بنده می آید

ماده ۱۴ - امتیاز انحصاری طبع تمبر پست و سایر هلامات راجعه بحقوق پستی با دولت است حفظ و ضبط آن توسط وزارت مالیه خواهد بود و فروش با وزارت پست است

سردار معظم - در موقعی که این ماده بمجلس آمده در اینجا اظهاراتی شد و خواستم قانون پست با قانون تشکیلات مالیه که قبلاً از مجلس گذشته بود موافقت داشته باشد و آنچه بنظر بنده می آید

ماده ۱۴ - امتیاز انحصاری طبع تمبر پست و سایر هلامات راجعه بحقوق پستی با دولت است حفظ و ضبط آن توسط وزارت مالیه خواهد بود و فروش با وزارت پست است

آقای حاج عزالمالک پیشنهاد کردند و با اکثریت قریب با اتفاق قابل توجه شد و بکمیسیون رفت باز می بینم کمیسیون يك طور دیگری تغییر داده است بعقیده بنده آن پیشنهاد از این ماده که از کمیسیون پیشنهاد شده خیلی بهتر است خوب است همان پیشنهاد خواننده و رای گرفته شود.

**مخبر** - این ماده که در اینجا نوشته شده تقریباً موافق با همان ماده است که آقای حاج عزالمالک پیشنهاد کرده اند فقط چیزیکه هست فروش تبر را کمیسیون تصویب کرده است که با اداره است و هیچ مخالفتی ندارد و البته دولت خودش تبر را نمی فروشد اداره است باید این کار را بکنند و فروش تبر راجع به هیئت دولت نیست انحصار طبع تبر با دولت است نگاهداری و ضبط آن با وزارت مالیه است اداره است باید برود از آن جا بگیرد و پولش را به آن وزارت خانه بدهد فقط فروش آن با اداره است خواهد بود که بطور خورده و متفرقه فروخته نشود که بتواند معاسبات خودشان را کنترل کنند فقط از این نقطه نظر بود که این طور نوشته شد مخالف دیگری نبود.

**حاج عزالمالک** - به نظر بنده مابین آن پیشنهاد و این ماده که کمیسیون پیشنهاد کرده است خیلی فرق است بجهت آنکه مقصود از آن پیشنهادیکه بنده کردم این بود که طبع تبر است و سایر علامات راجع به حقوق یستی یا دولت و حفظ و ضبط آن با وزارت مالیه باشد مقصود این بود که تهیه تبر است چنانچه در قانون تشکیلات مالیه هم اشاره شده کلیتاً بتوسط وزارت مالیه باشد در قسمت اول پیشنهاد بنده کمیسیون موافق است و انحصار را با دولت میداند یعنی کسی دیگر غیر از دولت نمی تواند اجازه طبع تبر را بدهد تا طبع کنند تهیه تبر را برای اینکه مرکزیتی بحساب تبر داده شود و وزارت مالیه بتواند کنترل و نظارت داشته باشد در اینکه بدانند چقدر تبر بفروش میرسد و حساب او را داشته باشد این نظر بنده پیشنهاد کردم تهیه و ضبط آن با وزارت مالیه باشد برای اینکه اگر کسی دیگر بخواهد تهیه کند ممکن است هر اداره بکمیستاری تهیه کند و در موقع حساب اسباب اشکال خواهد شد در اینصورت همانطوریکه عرض کردم انحصار طبع تبر اساساً با دولت است ولی تهیه و ضبط آن با وزارت مالیه باید باشد و البته برای مصرف رساندن و الصاق به پاکتها با اداره است خواهد بود.

**مخبر** - در اینجا فقط چیزیکه هست لغت (تهیه) نوشته نشده است و بنده قبول میکنم (حفظ) را بردارند (تهیه و ضبط) بنویسند.

**رئیس** - آقای مخبر قبول دارند ولی آقای معاون گویا مخالف هستند؟

**معاون وزارت پست و تلگراف** - بنده آنچه در اینباب استنباط میکنم این است که مجلس را در اصل آن پیشنهادیکه وزارت در اینباب کرده مخالف می بینم و با وجود اینکه رد می شود لازم است تکرار کنم در کمیسیون هم که این پیدا شده بود بنده با نظریات کمیسیون موافق نبودم زیرا اگر درست

دقت بفرمایند فقط نظر پیشنهادکننده این بوده که وزارت مالیه بتواند مسئولیت خودش را حفظ کند و بتواند معاسبات را کنترل کند الان هم باین ترتیبی که در اداره است هست وزارت مالیه در کمال سهولت می تواند هر روز این عمل را انجام دهد و کنترل کند و اداره است هم در کمال سهولت میتواند تفتیش خودش را بکند و نظری که بنده در اینباب داشتم و کمیسیون مخالفت کرد (و گمان میکنم بعضی از آقایان هم نظرشان همان نظر کمیسیون باشد) این بود که کلیتاً در این مسئله با اداره است مراجعه بفرمایند و به بنده تبر را چطور تهیه و چطور ضبط می کنند که بمصرف میرساند و گمان میکنم پیشنهادی که خود وزارت کرده بود از نقطه نظر بودجه بوده و چنانکه در مجلس سابق عرض کردم مطابق با صرفه دولت است زیرا اگر این قانون را بگذرانیم و بخواهیم بموقع اجراء بگذاریم اگر بکاماده اش راجع تهیه تبر است و اصل این قانون است در اینجا نباید اشکال مشکل میشود و دولت نمی تواند این قانون را بموقع اجراء بگذارد ولی این پیشنهادیکه کمیسیون کرده اند نظرشان به پیشنهاد مجلس بود زیرا نظر مجلس این بود که کمیسیون انحصار طبع تبر را بدولت واگذار کرد نگاهداری و تهیه آنرا با وزارت مالیه و فروش آنهم چون که آقایان اطلاع دارند و تصدیق مینمایند با اداره است خواهد بود پس در اینباب هیچ اشکالی نیست ولی در اصل مطلب صحبت در این است که اگر آقایان درست توجه بفرمایند با حال امروزه مملکت و ترتیبی که امروزه معمول است از نقطه نظر بودجه صرفه دولت در این است که عرض کردم و اگر آقایان میل داشته باشند بترتیب کنترلی راهم وزارت مالیه می کند بعضی آقایان خواهام رسانید

**سردار معظم** - مطلب همان بود که آقای حاج عزالمالک بیان کردند در این ماده در مطلب است که باید از یکدیگر تفکیک شود یکی انحصار تبر است که مطلقاً با دولت است و در اینجا هم معین شده که با دولت است پس از آنکه این مسئله در این قسمت معین شده که امتیاز انحصاری طبع و سایر علامات یستی با دولت است دیگر تکلیف معلوم است و معنی اشکال نیست مطلب ثانی تهیه و ضبط و نگاهداری کردن تبر و اوراق های قیمتی است که باید معلوم باشد و با کدام اداره خواهد بود قبل از قانون یستی يك قانون دیگری گذشت قانون تشکیلات مالیه بود و در اینجا يك فقره مخصوص این مسئله تصریح شد که حفظ تبر و باندرول و غیره و تقسیم کردن و تحویل دادن آن از وظایف وزارت مالیه است پس معلوم میشود در آن موقعی که قانون تشکیلات مالیه میگذاشت نظر مقنن این بوده که تمام اوراق متفرقه قیمتی که محل احتیاج است از قبیل باندرول و تبر که اداره است خانه لازم دارد عدلیه لازم دارد اداره ثبت اسناد لازم دارد و نواقل لازم دارد و ممکن است تلگرافخانه لازم داشته باشد و همین طور ادارات مختلفه دیگر ممکن است تبر یا باندرول لازم داشته باشند باین جهت چون تبر علامت تفتیش دولت است و باید معلوم شود پولهایی که میگیرند بمصدق دولت عاید میشود یا نه بنابراین این علامت باید در یکجا تکرار پیدا کند پس آنچهائی که طبعاً بهتر است و مرجع است که در آنجا جمع شود البته در وزارت مالیه است

وزارت مالیه تمام تمهیدات را میکند و بقدر احتیاج بهر يك از ادارات مربوطه تحویل میدهد و در مواقع معینه یا تبر خودش را پس بگیرد و یا بقدری که تبر داده است یول تحویل بگیرد بنابراین این دو نظر را پیشنهاد آقای حاج عزالمالک میرساند و بنده تصور نمیکند در صورتی که آقای مخبر تهیه تبر را قبول کردند که با وزارت مالیه باشد آن وقت اختلافی که با آن پیشنهاد باقی میماند راجع بفروش تبر است و بعقیده بنده این مسئله هم از کثرت وضوح لازم نیست در اینجا نوشته شود و البته اداره است برای فرستادن مکاتبات و مراسلات تبر لازم دارد نمی شود گفت کسیکه کاغذ به پستخانه می آورد برود از وزارت مالیه تبرش را بگیرد و البته ماه به ماه یا در اوقاتی که مابین وزارت مالیه و اداره است معین خواهد شد يك مقدار معین تبر تحویل اداره است داده میشود و بمصرف فروش خواهد رسانید پس نوشتن فروش تبر هم بعقیده بنده در اینجا زیاد است و همان پیشنهاد آقای حاج عزالمالک کاملاً این مقصود را میرساند

**معاون وزارت پست و تلگراف** - مطلب یکقدری مشکل تر شد خوب است حالا بنده در موضوع راپورت کمیسیون توضیح بدهم و پیشنهاد وزارت کار نداشته باشم بنده دقته اول در باب پیشنهاد وزارت توضیح دادم و هیچ تصویری نمی کردم در راپورت کمیسیون تاملی باشد زیرا که کمیسیون نظر مجلس را گرفته و عیناً در اینجا نوشته است فرمودند فروش تبر يك چیزی است که از بدیهیات است بنده گمان میکنم خیلی از مواد این قانون چیز های بدیهیات است زیرا معاملات که الان در اداره است می شود عین همان موادی است که در این قانون نوشته شده و گمان میکنم مخصوصاً نوشتن فروش تبر با اداره است است از جمله لوازم است بخصوص وقتیکه ضبط آن در دست وزارت خانه دیگری باشد زیرا اداره است اگر نماند فروش تبر منحصر باو است چطور میتواند مسئولیت خود را حفظ بکند و چگونه می تواند در حساب مأمورینی که در ولایات دارد تفتیش و رسیدگی کند که يك مأموری که در فلان ولایت است نکوید تبریکه ابواب جمع من کرده اند هنوز بفروش نرفته زیرا از فلان شعبه تبر ببرد میفرشند پس چنانچه خود آقا هم تصدیق فرمودند فروش تبر حتماً باید با اداره است باشد و لازم است در اینجا نوشته شود اما آن مسئله که اول بنده عرض کردم در باب پیشنهاد خود وزارت بود و البته باید دارند آن تبریکه در داخله مملکت معامله میشود غیر از آن تبریکه است که در تمام جا ها باید معمول باشد و باید آنها دارای يك علامت و ترتیبی باشد و باید بدستور اداره است طبق شود و نقشه مطابق نقشه اداره است باشد و گمان میکنم در این باب مخالفی نباشد پس از برای اینکه اداره است بتواند این کار را بکند باید نوشته شود (تصویب دولت) چنانچه در پیشنهاد اولی هم نوشته شده بود که انحصار طبع تبر با دولت است وقتی که دولت نوشته

شد وزارت مالیه را شامل است هیئت دولت راشامل است اداره است هم مکلف است موافق ترتیبات جاریه علامت آن تبریکه را که باید طبع شود همین طور رنگ و سایر ترتیبات آنرا به هیئت دولت ارائه بدهد (چنانچه در این مدت هم همیشه این کار را کرده است) آنوقت هیئت دولت بعد از این که آن نقطه نظر اداری را گرفت نظریات خودش را ضمیمه میکند و حکم طبع تبر را میدهد و بنده مجبورم يك توضیحی راجع بایام گذشته عرض کنم این تبرها در کارخانه هاون طبع میشود و در تحت يك کنترلی است و آن اداره مسئول است که صحت تبرهای تمام دنیا را برعهده داشته باشد یعنی آن نقاطی را که طبع تبر با آنها رجوع میشود و این تبرها که از آنجا می آید اداره مخصوصی در پستخانه هست که مخزن تبر است و يك دفترتی دارد که تبرهایی که وارد میشود بنقاط و ولایات تقسیم میکند و اداره از روی آن حساب میکند و در آخر هر سال تبرهایی که چاپ شده و بهر جا فرستاده شده در يك کتابی چاپ میشود پس وزارت مالیه هر ساعت بخواهد کنترل کند می تواند اداره است بفراستد و آن کتابی وفاکتوری که در کارخانه تهیه شده و فرستاده شده عین آنرا بگیرد و از روی آن دفتری که موجود است محاسبه اداره است را رسیدگی کند و در همانروز که حساب میکند باید تبر موجود و محاسبه که در دفتر اداره هست با آن مطابق باشد و عملاً ترتیب اداری امروزه این است پس وقتیکه گفتیم انحصار طبع تبر با دولت است گمان میکنم تمام اینها را دارا باشد اما وقتیکه بخواهید به پیشنهاد کمیسیون رای بدهید سه شعبه خواهد شد و آنچه به تجربه رسیده است و در این مدت امتحان کرده ایم در این مملکت هر کاری بدستهای مختلف افتاد اشکال و مخارجش زیادتر میشود و ممکن است از برای تبر بگوئیم چهار اداره باشد یکی طبع کند و یکی ضبط کند و یکی تحویل بدهد بالاخره چه خواهد شد معلوم است يك اداره باید باشد که این تبر را ضبط کند و بفروشد و محاسبه آنرا هم بدهد این اشکالی ندارد این توضیح راجع به پیشنهاد وزارت بود که بنده عرض کردم و گمان میکنم پیشنهادی که وزارت کرده بود از حیث صرفه دولت بهتر است و کاملاً رعایت همه چیز شده است و اما آنچه را که کمیسیون پیشنهاد کرده عین نظر مجلس است و آن جمله اخیر هم که اضافه شده توضیحش این بوده که عرض کردم و البته لازم است نوشته شود فروش تبر با اداره است.

**رئیس** - در این باب مذاکرات کافی است پیشنهاد آقای حاج عزالمالک قرائت میشود و رای میکنیم.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

امتیاز انحصاری طبع و فروش تبر است و سایر علامات راجعه بحقوق یستی با دولت است طبع و تهیه و حفظ تبر بتوسط وزارت مالیه فروش و مصرف یستی آن با اداره است خواهد بود.

**رئیس** - آقای حاج عزالمالک توضیحی ندارند و بعقیده بنده لازم هم نیست در قابل توجه بودنش رای گرفته شود چون در شور دوم قابل توجه شده است.

**مخبر** - بله با آن ماده که کمیسیون پیشنهاد

کرده است تقریباً مساوی است.

**رئیس** - پس قبول دارید؟

**مخبر** - بلی.

**رئیس** - پس رای میکنیم آقایان که ماده چهاردهم را باین ترتیبی که قرائت شد تصویب مینمایند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. در ماده سوم دوققره پیشنهاد رسیده است يك اصلاح از آقای مدرس دیگری از طرف آقای حاج شیخ یوسف قرائت می شود.

(پیشنهاد آقای مدرس بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که ماده سوم فقره ثالثاً چنین نوشته شود:

ثالثاً مراسلاتی که بتوسط اشخاص مختلفه من - بابالاتفاق برای دیگری فرستاده می شود (پیشنهاد آقای حاج شیخ یوسف باین مضمون خوانده شد):

بنده پیشنهاد میکنم بعد از لفظ گماشتگان (با رفقای خود) علاوه شود.

**مدرس** - گویا خاطر آقایان باشد که آنروز عرض کردم امروز هم عرض میکنم که مقصود از این قانون اینست که یست منحصر بدولت باشد و صلاح مملکت هم در این است که یست انحصار دولت داشته باشد که اینک در تمام روی زمین همین قسم است اما کاغذ بردن منحصر بدولت نیست مثلاً شخصی می آید پیش من و شکایت از يك شخصی میکند بنده هم يك کاغذی توسط با آن شخص مینویسم که با این آدم فلان جور رفتار بکن این کاغذ را در بغلش میگذارد در راه که میبرود اداره است متعرض او میشود که چرا این کاغذ تبر ندارد من میگویم آن ماده که متعرض باشد که این قسم کاغذها را کسی حق مزاحمت ندارد در این قانون نیست که پیشنهاد کردم کاغذ هائی که بتوسط اشخاص مختلفه من بابالاتفاق فرستاده میشود نه اینکه شغشان باشد مثلاً من بابالاتفاق من مسافرم يك کسی کاغذی بمن میدهد و من بفلانجا میرم این داخل در این امتیاز نباشد اما کسی اگر شغش کاغذ بردن باشد مثل قاصدی کردن یا با مال یا با چیز دیگر البته داخل در امتیاز است و ممنوع است ولی کاغذ هائی که باشخاص مختلفه من بابالاتفاق داده میشود از این قانون مستثناء است لهذا اگر آقایان تامل بفرمایند این مسئله مناقات با آن امتیازی که آقای سردار معظم می فرمایند ندارد انحصار انحصار یست است نه انحصار بردن کاغذ اگر گفتیم انحصار کاغذ بردن با اداره است این ایراد صحیح بود ولی ما گفتیم انحصار یست با دولت است.

**مخبر** - بنده اساساً با فرمایشات آقای مدرس مخالفت ندارم لیکن يك اشکالی در اینجا دارم مثلاً بنده از اینجا بيك نقطه میروم بیست نفر یاسی نفر از رفقای من بمن کاغذ می دهند بیرم بنده هم اسم این را میگذازم (من بابالاتفاق) آنوقت این از برای دولت اسباب ضرر میشود بر اینکه من که مسافرت میکنم ممکن است بیست سی کاغذ همراه خود بیرم قصد هم دخل و کاغذ بردن نبوده بیست سی نفر از رفقای من خواهش کرده اند کاغذ هاشان

را ببرم و میشود اسمش را هم من بابالاتفاق گذاشت آنوقت يك ضرری است که برای دولت فراهم می شود و بنده هیچ لزومی از برای این کار نمی بینم اما اینکه فرمودند اگر کسی راجع بامور شخصی خودش بخواهد توصیه از من بگیرد مأمورین یست نباید متعرض او شوند گمان میکنم در اینجا تصریح شده ملاحظه بفرمایند در اینجا مینویسد (مراسلاتی را که اشخاص مختلفه حامل آنها هستند و راجع بامور شخصی خود آنها است از این امتیاز مستثناء است) پس يك توصیه که حضرت عالی بجهت بنده نوشتید حاصلش من شدم چون توصیه فرموده اید البته راجع بشخص من خواهد بود و دیگر متعرض من نخواهند شد.

**حاج شیخ یوسف** - کلام یست از جمله کلماتی است که از فرانسه بمملکت ما مسافرت کرده است بنده با حقیقت این کلمه آشنائی ندارم مثل تمام ایرانیها که از لفظ یست استفاده میکنند بنده هم استفاده میکنم یست همیشه مقابل قافله است یعنی یست روی و قافله روی از یست يك معنائی استفاده می شود که سرعت حرکت است بنابراین این عرض میکنم اگر چنانچه مراسلاتی را که اشخاص مختلفه بیکدیگر مینویسند بوسائل یستی باشد مثلاً در کارهای یستی اشخاص مختلفه به بلاد بیرند در این موضوع عرض میکنم که این مطلب باید منحصر بدولت باشد اما اگر بوسائل غیر یستی باشد آنرا منحصر بدولت نمیدانم و جزء مستثبات میدانم و برای مصالح عمومی ضرر میدانم پس اگر يك همچو قانونی از مجلس گذشت از برای مأمورین یست وسیله میشود که در طرق و شوارع اسباب زحمت مردم بشوند حالا اگر چنانچه مخبر محترم میفرمایند که این قانون راجع بمراسلاتی است که مردم به ترتیب یستی برای یکدیگر مینویسند یعنی با سرعت حرکت که بنده عرض میکنم این قانون مشتمل بر آن شق دوم هم هست یعنی کاغذ هائی را که اشخاص مختلفه بوسیله قافله بولایت میبرند اداره یست مانع خواهد شد بنده گمان میکنم هم برای آسایش عمومی و هم مصالح دولت مقتضی است انحصار حمل مکاتبات را بعنوان یستی اختصاص بدهیم که اشخاصی که بوسیله یست میروند اگر حامل مکاتبات یستی باشند بخواهند مکاتبات را با سرعت بمقصود برسانند دولت جلوگیری کند.

**رئیس** - رای میکنیم در قابل توجه بودن اصلاح آقای مدرس و بعد در اصلاح آقای حاج شیخ یوسف آقایان که اصلاح آقای مدرس را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - رای میکنیم در اصلاح آقای حاج شیخ یوسف آقایان که اصلاح آقای مدرس را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - رای میکنیم در اصلاح آقای حاج شیخ یوسف آقایان که اصلاح آقای مدرس را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - رای میکنیم در اصلاح آقای حاج شیخ یوسف آقایان که اصلاح آقای مدرس را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - رای میکنیم در اصلاح آقای حاج شیخ یوسف آقایان که اصلاح آقای مدرس را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - رای میکنیم در اصلاح آقای حاج شیخ یوسف آقایان که اصلاح آقای مدرس را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - رای میکنیم در اصلاح آقای حاج شیخ یوسف آقایان که اصلاح آقای مدرس را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

تعیین نماید و مدت شرايط تادیبه قیمت یا معاوضه آنها را معین کند.

**رئیس** آقای مخبر همین است ماده ۳۸ که سابق نوشته بود مفصل تر بود.

**مخبر** - بلی همین است که نوشته شده است

**رئیس** - در ماده ۳۸ مخالفی هست یا نیست (مخالفی نشد) مخالفی نیست رای میگیریم آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند.

(غالب نمایندگان قیام نمودند و تبصره متمم ماده ۴۲ بمضمون ذیل قرائت شد)

تبصره - چنانچه صاحب مال برای امانت بیهوده نشده مفقود راضی نشد که یکم یا زده قران فرات در یافت دارید باید نامل نماید تا امانت مفقوده پیدا شود در این حالت دیگر حق مطالبه فرامت نخواهد داشت.

**رئیس** - در این تبصره که ماده ۴۲ اضافه شده مخالفی هست ؟

**حاج شیخ اسدالله** - بنده تصور می کنم باید یک مدتی برای این کار قرارداد گذر آمدت صاحب مال بر دم مطالبه کند یا این کار را در اداره است حاضر شد فرامت بدهد و او نکرمت آن وقت دیگر حق مطالبه نداشته باشد اما بطور کلی که نوشته شده (هر گاه راضی نشد) یعنی چه ؟ یعنی اداره است خودش اظهار می کند که بیا مالی که از تو سرقت شده فرامتش را بگیر آن وقت اگر نکرمت حق مطالبه ندارد ؟ این مطلب را باید بیک ترتیبی نوشت و مدتی برای آن معین کرد که واضح باشد.

**مخبر** - اداره است اساساً از برای امانات بیهوده نباید چیزی بپردازد بجهت این که وقتی که يك کسی امانتش را بیه نکرده و مفقود شد در واقع این يك خسارانی است که بواسطه اقدام خودش متحمل شده ولی وقتی که با این حال اداره است حاضر میشود یکم ۱۰ قران بپردازد برای اینست که اگر اتفاقاً يك امانتی پیدا شد که یکم ۱۰ قران بیشتر قیمت آن باشد و یکم پنج تومان قیمت داشته باشد عوض صدقره امانت بی قیمت را یکم ۱۰ قران پرداخته بتواند از این راه يك نفعی ببرد و تلافی آن ضررها را بکند و صاحبان امانات هم حق نداشته باشند زیاده از ۱۰ قران مطالبه کنند بگویند امانات ما یکم ۱۰ تومان قیمت داشته پس وقتی که يك شخصی حاضر نشد یکم ۱۰ قران فرامت را بگیرد قانون باو حق میدهد که تحمل کند تا مالش پیدا شود و اگر پیدا نشد حق نداشته باشد والا يك شخصی ۲ سال یا یکسال معطل میشود و یکم ۱۰ قران را نمیگیرد آن وقت اگر امانتش پیدا نشد فرامت را مطالبه میکند در این صورت اداره است باید يك وجهی برای فرامت امانت مردم از خارج پیدا کند و بیاورد با آنها بدهد.

**حاج شیخ اسدالله** - بلی تصور میکنم يك جمله از عرض بنده را آقای مخبر در ضمن فرمایشاتشان تصدیق کردند عرض میکنم قانون اداره است را ملزم کرده که یکم ۱۰ قران در عوض امانات بیهوده بنحوی فرامت تادیبه کند برای این که بداند مجبور است اموال مردم را چه بیهوده باشد و چه بیهوده نشده باشد حفظ بکند بعد از این که اداره است مجبور بتادیبه این وجه شد بنظر بنده این عبارت معمل است زیرا میگوید چنانچه صاحب مال برای امانت بیهوده نشده مفقود راضی

نشد یکم ۱۰ قران فرامت دریافت دارد باید تأمل نماید تا امانت مفقوده پیدا شود در این حالت دیگر حق مطالبه فرامت نخواهد داشت در اینجا باید معین شود که تا کی اگر حاضر نشد یکم ۱۰ قران فرامت را بگیرد و حق مطالبه نخواهد داشت باید یک مدتی معین شود که ایا ماطح صاحب مال نشود اما اگر بطور اطلاق نوشته شود معین است اداره است هر روزیکه امانت مفقود شده اعم از این که خبر آن بطرف رسیده یا نرسیده باشد بگیرد چون تو نیامدی مطالبه کنی من هم بگیرم فرامت نمیدهم یا اگر اطلاع هم پیدا کرد و يك اشکال و مانعی از برای او پیش آمد که نتوانست برود مطالبه کند اداره است باو بگیرد حق ندارد بقرینه بنده باید يك مدتی از برای این مطالبه قرارداد نمیگیرم مدتش هم زیاد باشد هر قدر میخواهند معین کنند چون نفع دولت هم در اینست که مدت داشته باشد منتهای اینست مدتش را کم قرار دهند و بعد از آن که صاحب مال از مفقود شدن امانت اطلاع پیدا نمود و در ظرف یکماه یا ماه یا ماه اگر مطالبه فرامت نکرد با این که اداره است خواست باو فرامت بدهد و نکرمت دیگر حق نداشته باشد اما بطور اجمال نوشتن يك چیز گنگی است که همیشه محل تنازع و تشاجر بین صاحبان امانت و اداره است خواهد شد.

**مخبر** - گمان میکنم مطلب گنگ نباشد زیرا در جای دیگر نوشته شده است مدت تمام دعاوی که صاحبان امانت با اداره است دارند یکسال خواهد بود پس در اینصورت اگر نامدت یکسال آمد و مطالبه کرد و راضی شد یکم ۱۰ قران را بگیرد که میگیرد و اگر راضی نشد باید تحمل کند تا هر وقت امانتش پیدا شد بیاورد بگیرد.

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست ؟ (گفته شد کافی است)

اول رای میگیریم در تبصره آقایانی که این تبصره را قبول میکنند قیام نمایند.

(غالب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۴۳ را رای نکرده - ایم و با اینکه آقایان آنامه را دارند قرائت میشود و رای میگیریم

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۲ - در صورتی که تمام یا جزئی از يك امانت بیهوده نشده مفقود شود یا اینکه تمام یا جزئی از محتوی آن خراب و ضایع گردد در اداره است متعهد و ملتزم است که در ازای هر يك من مال التجاره مفقود یا ضایع شده مبلغ یا زده قران بعنوان فرامت صاحب امانت کارسازی نماید بر حسب قاعده مطالبه این فرامت باید توسط فرستنده از بستخانه یا مرکز ایالتی بستخانه بشود که در آنجا امانت تحویل داده شده است ولی گیرنده امانت هم میتواند مطالبه جبران ضرر را از بستخانه مقصد یا مرکز ایالتی آن بنماید مشروط بر اینکه از فرستنده يك اجازه نامه در دست داشته باشد همین که مبلغ بیهوده شده با فرامت معینه در آنامه بصاحب امانت ادا شد تمام حقوق مشارالیه از این باب به اداره است تعلق خواهد گرفت صاحب امانت از قبل وصول وجه فرامت مجبور است اداره است را از جنس محتوی امانت مفقود مستحضر بدارد و حتی الامکان بواسطه اطلاعات شخصی موجبات تسهیل تقبیل و تجسس آن را فراهم آورد

**عزل الملک** - راجع بقره اول این ماده که مسئله بیهوده باشد آقای سردار معظم راجع بمسئله بیهوده نظریاتی اظهار کردند و بنده نیز در آن اشکالی و آن دارم این است که در اینجا بنویسد هر گاه اداره است ثابت نماید که قیمت امانت بیهوده شده بیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده است بنده عرض میکنم قیمت حقیقی اعتبار اشباه فرق میکنند زیرا ممکن است برای بنده يك دویه یا يك باد کاری از خانوادگی باشد که خیلی قیمت داشته باشد یا اینکه مصرفی برای مرسولات خود داشته باشم که بآن اعتبار قیمت مرسومه بنظر من بیشتر باشد اگر اداره است بخواهد با يك نظر بی طرفی (نه نظر خصوصی) آنرا تقویم حقیقی بکند بجهت وسایله تقویم حقیقی خواهد کرد که آن نظریه من هم تأمین شده باشد

**رئیس** - رای میگیریم در ماده ۴۲ آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - حالا رای میگیریم در ماده ۴۲ به ضمیمه تبصره آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند

(غالب قیام نمودند و ماده ۴۴ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۴ - در مواقع ذیل اداره است مسئولیتهای مذکوره در فصل ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ را بعهده نمیگیرد و الا در صورتی که امانت بیهوده شده مفقود یا معیوب شود و قبل از پرداخت وجه فرامت اداره است در یکی از معاکم رسمی ثابت نماید که قیمت امانت بیهوده شده بیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده است تا آنجا که در صورتی که اداره است حمل اثباتی را بعهده بگیرد که موافق مرسومات فصل هفتم مجبور بقبول آن نباشد و در اینصورت خود را مخصوصاً از مسئولیت خارج نماید تا آنجا در صورتی که علت فقدان یا توضیح مرسولات وقایع جنگی و شورش داخلی مملکت و یا انقلابی باشد که رفع آن از عهده حکومت محلی خارج است ولی مطالبه کننده همیشه حق خواهد داشت که در باب اثبات موقع اضطرابی بودن که استدلال بآن میشود دلایل لازمه را بخواهد را بخواهد در صورتی که برقی یا حیف یا میل و ورث فقدان یا توضیح مرسولات شده باشد.

خاصاً - در صورتی که علت فقدان یا توضیح مرسولات محتویات آنها و یا خود آنها و یا غفلت فرستنده باشد.

سادساً - در صورتی که در موقع تحویل دادن مرسومه بگیرنده آثار دست خوردگی از لاف خارجی آن دیده نشود و وزن آن با وزن زمان تحویل موافقت نماید ولیکن در صورتی که فرستنده در زمان ارسال محتویات مرسومه خود را روی مرسومه یا روی ورقه که به همراه آن فرستاده میشود بنویسد و دفتر فرستنده صحت آنرا امضا کند ولو اینکه عیبی روی لاف خارجی مرئی نشود وزن آنهم با وزن زمان تسلیم موافقت نماید اداره است مسئول کسری یا معایب دیگر آن خواهد بود بجهت خسارت غیر مستقیم و هایدن شدن منافع مقصوده اداره است مسئولیت بعهده نخواهد گرفت.

**معاون وزارت پست و تلگراف** - از فرمایش آقایان چه استنباط کردم که یککندری باین ماده (که برای همین اشکالات در اینجا نوشته شده است) توجه نشده است اولاً عرض میکنم لزوم این ماده در اینجا بدلتلی که مکرر در جلسات قبل شرح داده شده خیلی واضح است بجهت اینکه این مسئله در اداره است خیلی اتفاق می افتد و توضیح آن اتفاقات را هم داده ام اشکالی که آقایان در این ماده داشتند و در کمیسیون هم مذاکره شد این بود که اداره است بجهت اینکه بخواهد موافق این ماده کلیه امانتی را که بیهوده شده بوقت در بیاورد و حال آنکه اداره است همچو نظری نداشته بعلت اینکه در اینجا نوشته شده است در صورتی که امانت بیهوده شده مفقود و یا معیوب شود و قبل از پرداخت وجه فرامت اداره است در یکی از معاکم رسمی ثابت نماید که قیمت امانت بیهوده شده بیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده است پس در این جا اداره است امانت بیهوده را قیمت خواهد کرد و ثابت خواهد کرد در اینصورت وقتی اداره است مسئولیت ندارد که ثابت کند قیمت امانت بیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده این ماده که فلان نوشته شده است برای رفع این معذور بوده است و پیشنهادهایی که فرموده بودند کاملاً در آنها دقت شد و اگر درست دقت به فرمایند این ماده میگوید اداره است يك امانت بیهوده شده را که حرکت میدهد بصاحب امانت خودش را مطالبه میکند بعد از آنکه مطالبه کرد اداره است مکلف است نامدتی که در این قانون نوشته شده است که یکسال است جستجو کند اگر از این باب هیچ چیزی بدست نیآورد باز مطابق این قانون مکلف است بپوش آن قبضی که بصاحب امانت داده است قیمت آنرا بدهد پس این ماده باین صورتی که حالیه پیدا کرده میخواهد بگیرد اگر امانت بیهوده شده مفقود شد اداره است در آن مدتیکه وقت دارد و میتواند يك علامتی از آن پیدا کند و در یکی از معاکم رسمی ثابت نماید که این امانت قیمتش بیش از قیمت حقیقی اظهار شده است (و این حق بتمام افراد مردم هم داده شده است) پس از آنکه اداره است تمام این درجات را طی کرد و توانست ثابت و مدلل کند که این شخص آمده و يك امانتی با اداره است داده و بیهوده کرده و بطور تقلب قیمت حقیقی را اظهار نکرده و غیر واقع معین کرده و آن امانت بدست آورده و اداره است علامتی از آن امانت بدست آورده آنوقت نباید فرامت بدهد حالا اگر بفرمائید امثال این کجا است عرض میکنم امثالش بسیار است و در کمیسیون هم در این باب توضیحات کامل داده ام که این مطلب خیلی اتفاق می افتد بخصوص راجع بکلی پستال که امروز در این مملکت خیلی زیاد است و گمان میکنم دیگر هیچ شک و شبهه باقی نباشد تقاضا میکنم مقرر بفرمائید یکدفعه دیگر ماده خوانده شود تا ملاحظه فرمائید این توضیحاتی را که دادم بعبوی در ماده مصرح است و رفع اشکال میشود و هیچ کجا بجا نیست ندارد و همه چیز در آن رعایت شده است.

**مدرس** - بلی اینکه نوشته شده است اداره است ثابت نماید که بیا سابقاً مذاکره شد که این مطلب مدت لازم دارد و بدون مدت هر کس مالش

مفقود شود و برود مطالبه فرامت نماید اداره است بگیرد من ثابت میکنم که این قبضی را که تو گفته ای زیاد است بنده گمانم این است که این يك مدتی میخواهد که اگر تا آن مدت اداره است ثابت کرد فيها و الا باید فرامت مال مردم را بدهد این يك مسئله يك مسئله دیگر که میخواهم سؤال کنم این است مقتضای این ماده این است که اگر ثابت شد زیادتی قیمت کرده اداره است مسئول آن زیادتی نیست ؟ یا اصلاً مسئول مال مفقود شده نیست ظاهر عبارت این قانون این است که دیگر بجهت چه مسئول آن مال نیست ولی گمان نمیکنم مقصود نویسنده این باشد مثلاً من مالی را که پانصد تومان می ارزد به اداره است گفته ام ششصد تومان می ارزد اگر آن مال مفقود شد و اداره است ثابت کرد که این مال پانصد تومان قیمت دارد اداره است هیچ ضامن نیست ؟ یا ضامن آن صد تومان علاوه نیست خوب است این را توضیح بدهند که مرادشان چیست ؟ آیا از مواد دیگر معلوم میشود که مدت ثبوت تا چه اندازه هست یا خیر ؟

**معاون وزارت پست و تلگراف** - در باب مدت چنانچه در همین قانون نوشته شده است در کلیه دعای که به اداره است تعلق میگیرد يك سال معین شده است در و اما در باب جمله دوم که فرمودند البته تصدیق خواهند فرمود که وقتی اداره است تمام این درجات را طی کند در یکی از معاکم رسمی ثابت نماید که قیمت این امانت بقصد تقلب زیادتر از قیمت واقعی آن اظهار شده است البته باید صاحب امانت از آن امانت صرف نظر کند بملایه ما باید يك نکته دیگر را هم در نظر بگیریم چنانچه در کمیسیون عدلیه که آقای عدل الملک مخبرند و خود جناب عالی هم تشریف داشتید در مواد مجازات گفتگو میشد و حالا آن مواد مخصوصاً در این موقع مذاکره می شود و بنده توضیحاتی دادم و موکول به این شد که اگر آنچه را بنده اظهار میکنم در سایر دول هم این طور باشد روی کاغذ بیاوریم و در اینجا هم این قانون را بآن مطابقه کنیم زیرا از يك نقطه نظر اداره است در تمام دنیا بین المللی محسوب میشود یعنی با تمام ملل طرفیت دارد و باید قوانین آن با همه دنیا تا يك اندازه مطابقه کند چنانچه بنده در این باب صورتی نوشته و الان هم حاضر دارم گذشته از اینکه در ممالک دیگر صاحبان امانت از آن امانت صرف نظر میکنند يك مجازات معینی هم دارد مخصوصاً در قانون هشانی و مصر نوشته شده است که باید از آن امانت صرف نظر کند و موافق قوانین موضوعه مملکت آن شخص تعقیب میشود باز هم عرض میکنم که اگر درست دقت بفرمائید این مسئله خیلی خیلی بندرت اتفاق می افتد خصوص وقتیکه از مجلس شورای ملی این ماده بهمین طور که نوشته شده است تصویب شود نظایر این مسئله خیلی کم اتفاق خواهد افتاد ولی برای رفع این محظورت با تمام عیوبات را در نظر گرفته و طوری این ماده را نوشتیم که هیچ محظوری پیدا نشود چنانچه عرض کردم اول باید امانت مفقود شود تا آنجا که اداره است در یکی از معاکم رسمی ثابت نماید همه آقایان میدانند وقتی که بنای ثبوت باشد اثبات خیلی کار مشکلی است وقتیکه اداره است تقلب او را ثابت کرد و باید آن

**حاج شیخ اسدالله** - بنده در این جزء ماده که اداره است در یکی از معاکم رسمی ثابت کند قیمت امانت کمتر از آن قسمتی است که در موقع بیهوده تقویم شده است موافق هشتم اینست فرمودند بنده ثابت کرد قیمت آن مال کمتر از آن قیمت است که در موقع بیهوده کردن تقویم شده مگر اینکه همین آن امانت بدست بیاید این يك چیزی است که وظیفه محکم و وظیفه طرفین است که طریق اثبات آنرا اظهار کنند اینکه میگویند وقتی آن امانت پیدا شود معین همان امانت را بصاحب رد میکنند عرض میکنم ممکن است آن مال پیدا نشود ولی صورت حسابی بگشود

شخص هم از امانتش صرف نظر کند و هم باید مجازات شود در باب مجازاتش هم باید يك ماده پیشنهاد شود و البته وقتی که بجای خودش رسیدیم پیشنهاد خواهد شد

**مقتضی السلطنه** - چیزیکه امروز معلوم شد این است که کمیسیون پست و تلگراف دارالترجمه است و وقتی که يك ماده رد شد تا آنجا کمیسیون آن ماده را ترجمه میکنند و بجهت پیشنهاد می نمایند بملایه لفظ فقدان که در اینجا نوشته شده است نمیدانم مقصود چیست و توضیحاتی را که آقای مخبر دادند بنده قانع نشدم برای اینکه وقتی يك امانتی مفقود شد دیگر اداره است نمیتواند قیمت او را معلوم کند و اینکه آقای معاون فرمودند وقتی اداره است ثابت کند فرامت نخواهد داد بنده عرض میکنم پس از اینکه امانت بدست آمد همان امانت را اداره است بصاحبش رد میکند دیگر لازم نیست که قیمت او را ثابت کنند فرضاً يك امانتی کم شد و بعد از یکسال پیدا شد البته عین آنرا بصاحبش رد میکنند دیگر محتاج ثبوت نیست بملایه ممکن است يك امانتی را در بین راه يك سارق باز کند و يك قسمت از آن امانت با اداره است برسد مثلاً فرض کنید يك شخصی ده حلقه انگشتری در يك بسته می بندد و برای فلان نقطه میفرستد و پنجاه هزار تومان قیمت برای او معین میکنند و در این بسته انگشتری دوهزار تومانی هست بیست تومانی هست و پانزده تومانی هم هست آنوقت اداره است یکی از این انگشترها را که قیمتش پانزده تومان است پیدا میکند بصاحبش میگوید انگشترهای تو هر کدام ۱۰ تومان قیمت داشته و مجموع آن صد و پنجاه تومان است این حرف بجهت چه منطقی نیست و باید بنده قانع نمیشوم زیرا وقتی يك اداره امانتی را بیهوده کرد و قبلاً حق الضمانه گرفت مسئول است که آن مال را یا عیناً پس بدهد یا فرامتش را بپردازد و اما اینکه میفرمائید معیوب شد فرض کنید يك آدمی يك هندوانه را قیمت کرد و پنجاه تومان با اداره است داد که این هندوانه را به خراسان بفرست در بین راه آن هندوانه پوسید و بوی کند هم گرفت عین آنرا بصاحبش رد میکنند و آن حق بیهوده را هم که برای آن پنجاه تومان داده است خدمتی است که با اداره است کرده و پولی بصندوق پست داده است حالا چون این شخص کار را نکرد و هندوانه او پوسید بایستد مجازات شود بسا جهل روز حبس شود این چیز غریبی است بنده باین اظهارات آقای معاون بجهت قانع نشدم و باین ترجمه هم که در کمیسیون کرده اند بکلی مخالفم

**حاج شیخ اسدالله** - بنده در این جزء ماده که اداره است در یکی از معاکم رسمی ثابت کند قیمت امانت کمتر از آن قسمتی است که در موقع بیهوده تقویم شده است موافق هشتم اینست فرمودند بنده ثابت کرد قیمت آن مال کمتر از آن قیمت است که در موقع بیهوده کردن تقویم شده مگر اینکه همین آن امانت بدست بیاید این يك چیزی است که وظیفه محکم و وظیفه طرفین است که طریق اثبات آنرا اظهار کنند اینکه میگویند وقتی آن امانت پیدا شود معین همان امانت را بصاحبش رد میکنند عرض میکنم ممکن است آن مال پیدا نشود ولی صورت حسابی بگشود

صاحب امانت بدست بیاید که قیمت حقیقی آنرا ثابت کند حالا اگر در موقع قانونگزاری ما بگوئیم طریق اثبات دعوا چه چیز است این خارج از فلسفه قانونگزاری طریق اثبات دعوا خیلی است یکی این است که بین مال بیه شده پیدا شود ولی فاسد شده باشد و طریق فساد حتماً این نیست که هندوانه باشد و فاسد شود ممکن است شال کرمانی باشد و اداره بست تصفیر کرده باشد و در یک جانی انداخته باشد که فاسد شده باشد آنوقت اداره بست باید فراموش بدهد در این صورت رجوع باهل خبره می کنند که اینمال چقدر قیمت داشته است سبهد نومان قیمت داشته است چهارصد تومان قیمت داشته است طریق اثبات دعوا را نباید در اینجا نوشت و بنده در این قسمت (که اگر اداره بست ثابت کند قیمت امانت بیه شده که تصدو یا ضایع شده است کمتر از آن میزانی است که در موقع بیه تقویم شده است فراموش نمی دهد موافق هستیم اما اینکه باید آن شخص مجازات شود این بجای خودش است و در جای خودش باید نوشته شود ولی بکلی مال او از بین برود بنده مخالف هستم بلکه بان اندازه که معلوم شد و قیمت واقعی امانت بوده باید اداره بست فراموش بدهد و این تصفیر بیه کرده است و نسبت بیک اداره دولتی تقلب نموده است مجازاتش مطابق قانون جزا باید معین شود و اما فراموش مالت را باید بدهد.

**عدل الملك** - همه این اشکالات از این ناشی میشود که کله بیه را در غیر مورد استعمال میکنیم و در این قبیل محمولات که فرض کردیم ممکن است فرستنده قیمت آنرا زیادتر از قیمت حقیقی اظهار کرده باشد آیا هیچ تصور نمی فرمایند یک امانتی را که یک شخصی به بستخانه میدهد که از برای فلان نقطه حمل کنند با اعتباریکه آن جنس از برای آن شخص دارد قیمتی داشته باشد؟ و از قیمت معمولی که ملاحظه میشود برای او زیاد تر قیمت داشته باشد و یا یک جهاتی داشته باشد که کارهای من که فرستنده آن جنس هستم منوط به آن جنس باشد و آن شبی اعتبارات شخصی من باشد؟ گمان نمیکنم در این قبیل مطالب برای اداره بست یا برای آنکه طرف دعوا واقع میشود راه حلی باشد ممکن است بنده بنظر خودم برای یک چیزیکه در زندگانی من خیلی قیمت دارد یک قیمتی تخمین کنم و البته این در پیشگاه هیچ محکمه مسوع نیست و هیچ وقت ثابت نمیشود بنا بر این گمان میکنم این اشکال و این مطالب در اینجا حل نمیشود خوب است اگر آقای مخبر بپذیرند این قسمت را ارجاع بکمیسیون کنند و در آنجا نظری بفرمایند شاید از برای این قبیل مطالب راه حلی پیدا شود.

**معاون وزارت پست و تلگراف** - اداره بست هیچ این نظری را که فرمودند ندارد جز اینکه همان نظر را که ایشان داشتند دارد که اگر چنانچه یک امانتی یا یک شبی حقیقتاً آن قیمتی را که صاحب اظهار کرده نداشته باشد ولی از برای خود او همان ارزش را داشته باشد هیچوقت اداره بست نمیتواند در هیچ محکمه ثابت کند این امانت این قیمت نداشته است اما راجع بسایر اشیا عرض میکنم که خیلی اتفاق می افتد که از اینجا تریاک بفاک روسیه

حمل میشود و در همان صندوقی است که از یزد یا کرمان می آورند و ده من دوازده من تریاک در یک جبهه هست اتفاقاً در بین راه جبهه می شکند و چند اوله آن می افتد وقتی که بمعل میرسد ببینند قیمت او زیادتر از قیمت اصلی او اظهار شد چون وزن و قیمت آن هر چه باشد یا ده تومان یا بیست تومان بهر اندازه باشد نوشته شده این دیگر هیچ اشکالی ندارد آنوقت اداره بست میگوید این شبی شما این مبلغ قیمت دارد و وزن هم معلوم است و فلان مقدار که از تریاک شما ضایع شده فلانقدر قیمت دارد و شما نباید قیمت امانت خودتان را در پیش وجدان خودتان بیش از قیمت حقیقی آن اظهار کرده باشید اگر هم در یک محکمه بخواهید صحبت کنید میتوانید در محکمه هم پذیرفته میشود این مسئله در تمام قوانین دنیا هست و تمام توضیحاتش را هم در اینجا داده ام این یک چیز مشکلی نیست وقتی که شما بگوئید من که صاحب مال هستم میگویم قیمت مال من این اندازه است و اداره بست هم بگوید من ثابت میکنم و بتواند ثابت کند دیگر اشکالی نیست ولی یک چیزیکه یک قیمت معینی ندارد و جنبه مالی بفرمائید من که دارای این امانت هستم این مقوا برای من ده تومان مبارزاد اداره بست هیچ دلیلی ندارد که بگوید غیر از این است و باید آن غرامت را بدهد در خصوص مدت هم توضیح دادم که اداره بست تا یکسال می تواند این دعوا را بنماید و بیش از یکسال حق ندارد و بعد از یکسال باید فراموش را بپردازد این مطلب هم در این مملکت خیلی اتفاق افتاد مثلاً یک وقتی که گاری بست از توی رودخانه عبور می کند بعضی از امانات بست به آب می افتد و در جزه آن امانات یک پارچه است که گوشه آن عبسی کند و این آدم هم برای اینکه میدانند اغلب هم این اتفاق برایش افتاده پارچه که قیمت آن ذری یکتومان است شاید ذری سی تومان قیمت کند و ذرع پارچه را در توی یک بسته می بندد و سبهد تومان قیمت میگذارد و آن سبهد تومان را هم بیه می کند که شاید اداره بست آنرا در آب بیاندازد اتفاقاً هم در بین راه روی آب میفتد و گوشه آن ناقص میشود در اینصورت اداره بست میگوید این امانت شما است و قیمت آنهم معین و معلوم است و ذوی یکتومان هم قیمتش است شما چرا سبهد تومان قیمت کرده اید اگر می خواهید قیمت حقیقی او را بگیرد والا اداره بست حاضر است در یک محکمه رسمی تقلب شمارا ثابت کند این هیچ عیبی ندارد و از این قبیل اتفاقات خیلی می افتد و به نظر بنده هیچ اشکالی ندارد و البته ما میتوانیم یک قانونی بگذاریم که به این اشکالات برنخوریم و آن شخص هم که میخواهد امانت بفرستد آنچه را که امانتش قیمت دارد قیمت بگذارد و اگر نگذاشت اداره بست در موقع محاکمه بتواند ثابت کند و اینکه فرمودند وقتی که اداره بست بیه کرده دیگر نمی تواند این حرف را بزند عرض می کنم اشتباه نشود اداره بست اداره بیه نیست که آقا میفرمایند وقتی بیه می کند باید فراموش بدهد اداره بست خودش را با دانه بیه معرفی نمی کند در تمام دنیا مرسوم است که در اداره بست یک همچو چیزی هست و میگوید من که اداره بست هستم اشیا را حمل میکنم در صورتیکه قیمت واقعی آنرا اظهار کنند بیه میکنم

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی نباشد - رای میگیریم بماده ۴۴ با اصلاحی که کمیسیون در فقره اول و چهارم کرده است آقایانی که این ماده را همین ترتیبی که قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب نشد چون نزدیک ظهر است و بعضی شعبات باید دائر شود اگر مخالفی نباشد بقیه این قانون بماند برای روز شنبه مراسم است که از طرف آقای سردار معی رسیده و کمیسیون عرایض بمجلس رجوع کرده است قرائت میشود و رای گرفته نمی شود و اخذ رای در آن خصوص مینماید بجلسه دیگر

(بعضون ذیل قرائت شد)

مقام متبوع مجلس مقدس شورای ملی شید الله ارکانه نتایج آنهمه فداکاری ها و ایثار آنهمه قربانیها در تأسیس حکومت شوروی برای این بود که امورات کلا در محور قانون گردش کرده حدود و حقوق اینها مملکت بلااستثنا از تجاوز متجاوزین مصون و محروس باشد من بنده که خدمات وزحمات طاقت فرسایم در اهلی لویای حریت و تأسیس حکومت ملی گویا محل تردید دوست و دشمن نباشد و همواره طالب و شائق بوده ام که غرض ورزی از مملکت رخت بر بسته امورات در مجاری قانون و عدالت سیر نماید و چه قدر خوشوقت شدم که آقای حاج میرزا حسین نماینده کرمانشاهان در مقابل شکایات مظالمین مصنوعی کردستان و وزارت داخله سؤال نمودند ولی نهایت تأسف را دارم که ایشان از مقام سؤال تغلی کرده و داخل قضاوت شده اند صریحاً نسبت اخذ سه هزار تومان رشوه به بنده دادند چون نمی خواهم در موضوع خدمات و زحمات خود در راه مشروطیت و حریت داخل شوم حتی در کودتای اخیر و مصائبی که نسبت به بنده وارد شد غالب از نمایندگان محترم حاضر و شاهد بوده و هستند فقط بواسطه اینکه اظهارات آقای حاج میرزا حسین خارج از نزاکت و حیثیت و شئون بنده است و نیز بملاحظه اینکه چون مزایایه از حزب محترم مردم و کرات است (اگر چه یقین داریم این اجتهاد ایشان مخالف مسلک و عقیده این حزب معظم است) برای اینکه مبادا در این موقع حمل بیک سابقه یاد اذنان سوء تفاهمی بشود استرحاماً محاکمه با ایشان را از مجلس محترم تمتی میکنم

**رئیس** - این مسئله چون جزء دستور نبوده امروز مذاکره نمی شود مقصود این بود که آقایان مسبق بشوند ولی مذاکره اش موکول به جلسه دیگر میشود.

**حاج میرزا حسین** - بنده اجازه میخواهم **رئیس** - اگر مجلس اجازه میدهد داخل در مذاکره می شویم اما اگر اجازه ندهد می گذاریم برای روز شنبه چون آقایان مسبق نبودند قرائت شد که مسبق باشند و جزء دستور بشود که آقایان افکار خود را حاضر کنند و روز شنبه رای بگیریم.

**حاج میرزا حسین** - چون راجع به بنده است اجازه میخواهم **رئیس** - میخواید همین امروز در این باب مذاکره شود که اجازه میخواهید؟

**حاج میرزا حسین** - اجازه بفرمائید تا عرض کنم **رئیس** - شما اجازه میخواهید که صحبتی بکنید آنوقت دیگری هم بعد از شما اجازه خواهد خواست و رشته امتداد پیدا می کند پس بهتر این است همانروز که در اینباب مذاکره میشود اظهارات خودتان را بفرمائید پیشنهادی هم از آقای حاج شیخ محمد حسین یزدی راجع به استیضاح رسیده است که خارج از موضوع است با وجود این قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

در آخر جلسه در این پیشنهاد رای گرفته شود انشاءالله مسئله رای گرفتن در موضوع استیضاح از شنبه هم تأخیر نیفتد چون اولاً مسئله مهم و ثانیاً اختلاف مضر است و احتمال اشتباه برای استیضاح کنندگان و دفاع کنندگان از نمایندگان می رود بنده پیشنهاد میکنم حال که آقایان وزراء برای رای سکوت حاضر نیستند این مسئله چند جلسه تأخیر نیفتد و در ضمن این مدت کمیسیون مرکب از طرفین و بی طرف بر انتخاب فرق معین شود تحقیقات از دلایل کرده هم اگر اشتباهی شده رفع شود و هم اشخاصیکه مطلع نیستند مطلع شوند و با اتفاق تام رای گرفته شود.

**رئیس** - اینکه عرض کردم خارج از موضوع است برای این است که این مطلب راجع با استیضاح است و باید آنروزیکه در باب استیضاح مذاکره میکنند در خصوص این پیشنهاد هم مذاکره شود حالا اگر میخواهید بماند برای روز شنبه و در ضمن مطالبی که راجع با استیضاح گفته میشود این هم یکی از آن مطالب باشد.

**حاج شیخ محمد حسین یزدی** - چون مذاکره در پیشنهاد را موکول به جلسه بعد فرمودید خواستم عرض کنم این مسئله تأخیر نیافتد تا اگر اشتباهی شده باشد مطالب درست واضح شود.

**رئیس** - روز شنبه قبل از اینکه در سایر مطالب راجع با استیضاح مذاکره شود میتوانی در این باب اظهارات خودتان را بفرمائید.

**سلیمان میرزا** - البته آقای حاج شیخ محمد حسین میتوانی یک پیشنهادی بکنند و رای گرفته شود ولی بنده که یکی از استیضاح کنندگان هستم عرض میکنم هیچ اشتباهی از برای بنده پیش نیامده است.

**رئیس** - این مطلب را آنروزیکه در این باب مذاکره میشود اظهار بفرمائید جلسه آتی روز شنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور هم بقیه دستور امروز خواهد بود.

(مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم شد)

**جلسه ۵۴**

**صورت مشروح مجلس شب چهارشنبه هشتم شهر رمضان ۱۳۲۳**

مجلس سه ساعت از شب گذشته در تحت ریاست آقای معاون الدوله نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز ۱۸ شعبان قرائت شد.

غائبین بدون اجازه - آقایان حاج امام جمعه حاج سید اسدالله - حاج شیخ اسماعیل - نجف قلی میرزا.

غائبین با اجازه - آقایان ارباب کبیر - میرزا قاسم خان.

**نایب رئیس** - در صورت مجلس مخالفی نیست (اظهاری نشد)

صورت مجلس تصویب شد - آقایان مسبقون روز شنبه که بنا بود مجلس منعقد شود نشد حالا دستور همان روز را تعقیب میکنیم اول شور در بقیه قانون پستی بعد راجع به کمیسیون مبتکرات راجع بطرح قانونی.

**حاج عزالممالک** - راپورت شعبه چهارم باعتبار نامه آقای قوام الدراه و راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی راجع برخصی ۲۰ روز شازاده نجفقلی میرزا یکی دو فقره راپورت دیگر هم از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده که در آخر جلسه اگر مجال باشد عرض آقایان خواهد رسید حالا شروع میکنیم بقانون پست.

(ماده ۵۲ قرائت شد)

**مبصر الملك مخبر کمیسیون** - چند ماده از قانون پستی مانده است و گمان میکنم باید آنها را مقدم داشت و بعد از آن از ماده ۵۲ که راجع به مجازات است باید خوانده شود چون ماده ۴۴ قانون پستی بملاحظه نظر بیکه آقای مدرس در جزه اولش داشتند و لازم میدانستند یک مدتی تعیین بشود و نشده بود رد شد و بکمیسیون برگشت لهذا کمیسیون قبول میکنند که در اینجا ذکر شود تا مدت یکسال (جزه اول ماده ۴۴ بمضمون ذیل قرائت شد)

در صورتیکه امانت بیه شده مفقود یا معیوب شود و قبل از پرداخت وجه فراموش اداره بست در یکی از معاکم رسمی تمامت یکسال ثابت نماید که قیمت امانت بیه شده پیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده است.

**معتصم السلطنه** - این ماده در شور اول رد شد و بکمیسیون رفت خوب است آن شق اول بیکرد شد قرائت شود ببینیم چه تغییری داده اند تا بتوانیم اظهار عقیده بنمائیم.

**حاج عزالممالک** - جزه اول این ماده همان طور بیکه آقای مخبر فرمودند رد شد و حالا مدت یک سال بر آن اضافه شده اگر در این خصوص فرمایشی دارید بفرمائید.

**معتصم السلطنه** - مقصود بنده این است که خوب است آن ماده را که رد شد بخوانند بعد این ماده را مجدداً بخوانند که افکار روشن تر شود (ماده ۴۴ که رد شد بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۴ - در مواقع ذیل اداره بست مسئولیت های مذکور در ماده ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ را بعهده نمی گیرد.

اولاً - در صورتیکه اداره بست در یکی از معاکم رسمی ثابت نماید که قیمت امانت بیه شده از روی تقلب پیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده است.

ثانیاً - در صورتیکه اداره بست حمل اشیا را بعهده بگیرد که موافق مسطورات فصل هفتم مجبور بقبول آن نباشد و در این صورت خود را مخصوصاً از مسئولیت خارج نماید.

ثالثاً - در صورتیکه علت فقدان یا تضییع مسرولات

وقایع جنگی و شورش داخلی مملکت و یا انقلابی باشد که رفع آن از عهده حکومت معلی خارج است ولی مطالبه کننده همیشه حق خواهد داشت که در باب اثبات موقع اضطرابی بودن که استدلال بان میشود دلائل لازم را بخواهد.

رایس - در صورتیکه مورت فقدان یا تضییع مسرولات یکی از حوادث آسمانی باشد که رفع آن ممکن نیست.

خامساً - در صورتیکه علت فقدان یا تضییع مسرولات محتویات آنها و یا خود آنها و یا غفلت فرستنده باشد.

سادساً - در صورتیکه در موقع تحویل دادن مسروله بگیرنده آثار دست خورده گی از لطف خارجی آن دیده نشود و وزن آنها هم با وزن زمان تحویل موافقت نماید ولیکن در صورتیکه فرستنده در زمان ارسال محتویات مسروله خود را روی مسروله یاروی ورقه که به همراهی آن فرستاده میشود بنویسد و دفتر بست فرستنده صحت آنرا امضاء کند و لو اینکه عیبی روی لطف خارجی مرئی نشود و وزن آنها هم با وزن زمان تسلیم موافقت نماید اداره بست مسئول کسری یا معایب دیگر آن خواهد بود بجهت خسارت غیر مستقیم و عاید نشدن منافع متصوره اداره بست مسئولیت بعهده نخواهد گرفت.

**سلطان الهمام** - بنویسید آقا اظهار فرمودند این ماده در شور اول و ثانی رد شد و حالا خوب است آقایان نمایندگان توجه و دقتی در این ماده بفرمایند زیرا این مسئله اسباب تضییع حقوق ملت میشود بواسطه اینکه مردم با کمال اطمینان با اداره بستخانه میروند و مالی را بیه میکنند و بعد از آنکه آن مال مفقود یا معیوب شد و اداره بستخانه خواهد گفت تا یکسال در یکی از معاکم رسمی اثبات میکنم که قیمت این امانت بیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده است و معلوم است که این ترتیب اسباب تعطیل و تضییع حقوق مردم خواهد شد سابقاً این مطلب در مجلس مذاکره شد و آقایان همین ایراد را کردند و این ماده در شور اول و ثانی رد شد حالا نمایندگان از جهة اینکه ثالثاً بپس جلسه آورده اند چیست

**نایب رئیس** - دیگر مخالفی نیست - مخالفتی نشد - رای میگیریم در این ماده بطوریکه در کمیسیون تصویب شده آقایان بیکه موافقت قیام نمایند.

(عده قیام نمودند)

**نایب رئیس** - مشکوک شد.

**مدرس** - اجازه بدید دو باره خوانده شود (مجدداً قرائت شد)

**نایب رئیس** - رای میگیریم در جزه اول این ماده بطوریکه قرائت شد آقایانی که موافقت قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند)

**نایب رئیس** - جزه اول تصویب شد - جزه ثانی قرائت میشود.

**مخبر** - در تمام قسمتهای این ماده رای گرفته شده و تصویب شده فقط جزء اول رد شده بود حالا باید در کله ماده رای گرفته شود.

**نایب رئیس** - خوانده میشود و بعد در کله آن رای گرفته میشود.

(بقیه ماده ۴۴ با استثنای جزه رابع که ذیلاً